نگاه

رنج «شین‌آباد» و مسوولیت اجتماعی ما

رسول خضری . نماینده مردم پیرانشهر

● بیش از ۹ماه از حادثه تلخ آتش‌سوزی مدرسه ابتدایی دخترانه روستای شین‌آباد پیرانشهر می‌گذرد.

در واقع آتش‌سوزی شین‌آباد یک فاجعه ملی و یکی از تلخ‌ترین خاطرات برای جامعه دانش‌آموزان ایران اسلامی و مردم سردشت و پیرانشهر است که هرگز فراموش نخواهد شد.در این مدت تلاش‌های بسیاری انجام گرفته است تا از پیامدهای ناگوار این حادثه و درد و رنج قربانیان و مشکلات و گرفتاری‌های خانواده‌های آنان کاسته شود. در کنار همدردی ملت عزیز ایران اسلامی و اقشار مختلف مردم با قربانیان این حادثه، بسیاری از نهادها و شخصیت‌ها نیز تلاش‌های شایسته تقدیری برای کاهش رنج و آلام این عزیزان و نیز احقاق حقوق آنان به عمل آورده‌اند.از لحاظ حقوقی و رسمی با تلاش و هماهنگی مجلس و دولت و پیگیری مسوولان در سطح ملی و منطقه‌ای و بعد از طی مراحل ابتدایی درمان، در دوم اسفندماه ۱۳۹۱ پروتکل حقوقی دانش‌آموزان حادثه‌دیده پس از بررسی از سوی رییس‌جمهور پیشین و همچنین هیات‌وزیران به تصویب رسید. تصویب این پروتکل به روند درمان در داخل و اعزام احتمالی به خارج از کشور و نیز پرداخت دیه قربانیان شکل قانونی بخشید. هم‌اکنون از مجموع ۲۷دانش‌آموز حادثه‌دیده، ۱۵نفر از آنها دیه نقدی و بیمه عمر دریافت کرده‌اند و روند درمان ۱۲نفر از آنها که دچار سوختگی شدید هستند، همچنان ادامه دارد. در این میان بیمه معلم مبلغ ۶۰میلیون بابت بیمه عمر دانش‌آموزان پرداخت کرده ولی متاسفانه بیمه ایران با وجود تعهدات خود اما در پرداخت مبلغ ۵۰میلیون زیاد جدی نبوده است و با توجه به آغاز جراحی صورت دانش‌آموزان در هفته‌آینده انتظار می‌رود آنها نیز به تعهدات خود عمل کنند. وزارت آموزش‌وپرورش نیز مکلف شده است که هزینه جراحی‌های دانش‌آموزان مصدوم را در حال حاضر و در آینده پرداخت کند. خوشبختانه تاکنون در مورد این مساله مشکلی به‌وجود نیامده است و هزینه‌های درمان، ایاب‌وذهاب، اسکان و هتلینگ آنها را دولت پرداخت کرده است. در ارتباط با آینده قربانیان نیز، پیش‌بینی شده است که روند استخدام این دانش‌آموزان پس از اخذ دیپلم و در سن قانونی هموار شود.در حال حاضر سه‌موضوع مهم یعنی پرداخت مبلغ از سوی بیمه ایران به حساب دانش‌آموزان، دریافت مستمری برای خانواده‌های دانش‌آموزان با توجه به مشکلات مالی خانواده‌ها و نیز نظارت بر جراحی آنها از مسایل عمده‌ای است که به صورت جدی دنبال می‌شود. به‌ویژه بحث دریافت مستمری از آنجا که برخی از پدران این دانش‌آموزان مرتب در مسیر رفت‌وآمد برای درمان فرزندانشان بوده و شغلشان را از دست داده‌اند و نیازمند توجه بیشتری هستند، بسیار مهم است و با قول‌های مساعدی که مسوولان دولت یازدهم در این زمینه داده و خود را موظف به اجرای تعهدات پیشین و همکاری بیشتر در آینده می‌دانند، امید می‌رود که این خواست‌ها و مطالبات نیز هرچه زودتر حالت عملی گرفته و به انجام رسند.با وجود این اقدامات مثبت اما عمق فاجعه و اثرات ناگوار آن به حدی بوده است که هنوز قربانیان و خانواده‌های آنها با مشکلات بسیار مواجه بوده و به‌خصوص والدین با توجه به وضعیت فرزندانشان تحت‌فشار مشکلات روحی و روانی هستند. این وضعیت این الزام را به وجود می‌آورد که دولت در کنار کمک‌های مالی، تمهیدات بیشتر و ویژه‌ای برای آنها تا بازگشت به زندگی عادی و اجتماعی مدنظر قرار دهد. اما صرفنظر از دولت و مسوولان که تا حدود زیادی نیز در زمینه احقاق حقوق قربانیان همکاری کرده‌اند، تک‌تک ما بنا به وظیفه انسانی و نوع‌دوستی مسوولیت داریم که در حد توان و وسع خود در مسیر کاهش مشکلات و گرفتاری‌های آنان قدم برداریم. البته تاکنون نیز در این مسیر اقشار مختلف از جمله مردم سردشت و پیرانشهر و شین‌آباد، پزشکان کشور و مسوولان بیمارستان به‌ویژه در ارومیه، اصفهان،مشهد، تبریز و تهران، وکلا، نمایندگان مجلس، ورزشکاران، هنرمندان و اصحاب رسانه و مطبوعات با پیگیری مساله و ارایه کمک‌ها به شیوه‌های مختلف در این زمینه فعالیت‌های انسان‌دوستانه‌ای انجام داده‌اند که شایسته تقدیر است و بنده به‌عنوان نماینده مردم منطقه از همه آنها تشکر و قدردانی می‌کنم.در آخرین مورد از این نوع اقدامات و همدلی‌ها باز هم جمعی از هنرمندان برجسته و والامقام کشور در ادامه فعالیت‌های پیشین و نوع‌دوستانه خود پیش‌قدم شده و موجبات خوشحالی و شادی قربانیان و خانواده‌های آنان را در آستانه مهرماه و بازگشایی مدارس و شروع دوره جدید جراحی‌ها فراهم آورده‌اند. در روزهای اخیر، آقای شهرام ناظری شوالیه آواز ایران و هنرمند والامقام و مردم‌دوست که بزرگ‌ترین افتخارات و عناوین هنری جهانی را در کارنامه خود دارد، اعلام داشته است که بخشی از درآمد برنامه کنسرت خود را که در روزهای پنجشنبه و جمعه در تالار میلاد نمایشگاه بین‌المللی تهران برگزار می‌شود به حل بخشی از مشکلات و درمان دانش‌آموزان شین‌آباد اختصاص خواهد داد. هنرمند بزرگ و استاد پیشکسوت آقای عزت‌الله انتظامی، نیز این اقدام را ستایش کرده و از دیگر هنرمندان دعوت کرده است که آنان نیز همچون گذشته به این حرکت انسانی بپیوندند. چنین اقدامات نوع‌دوستانه‌ای از سویی نشان از ماهیت انسان‌دوستانه و بشردوستانه هنر و مردمی‌بودن هنرمندان ایران اسلامی دارد. از سوی دیگر نیز با توجه به آنکه هنوز هم غم و اندوه و پیامدهای ناگوار فاجعه شین‌آباد در میان مردم منطقه و به‌ویژه خانواده‌های دانش‌آموزان دیده می‌شود، می‌تواند تاثیر مثبتی بر روحیه آنها گذاشته و موجبات شادی و خوشحالی کودکان آسیب‌دیده را در فصل بازگشایی مدارس و شروع درمان آنها فراهم کند. طبیعی است که انسان‌های بزرگی که همواره در میان مردم و ملت خود بوده و به‌ویژه در هنگامه سختی به میان آنان رفته و با آنان همدردی می‌کنند، در دل مردم نیز خواهند ماند و جایگاه ویژه‌ای خواهند داشت و مردم پیرانشهر و سردشت و شین‌آباد چنین اقدامات خداپسندانه و انسان‌دوستانه‌ای را ارج نهاده و قدردان زحمات و تلاش‌های تمامی کسانی هستند که در این مدت در کنار آنان قرار گرفته‌اند و به‌شیوه‌های مختلف با آنان ابراز همدردی کرده‌اند.

فعالان حقوق کودک، لایحه «حمایت از کودکان» را بررسی کردند

انتقاد از مجوز ازدواج «فرزندخوانده» با «سرپرست»



عکس: Reutres

نرگس جودکی: مجلسیان روز یکشنبه لایحه‌ای را به تصویب رساندند که بر اساس آن ازدواج فرزندخوانده با سرپرست بنا به رای دادگاه امکان‌پذیر خواهد بود. همچنین بر اساس ماده ۲۲ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان مساله فرزندخواندگی در شناسنامه کودک قید می‌شود. کارشناسان و فعالان حوزه کودک معتقدند با وجود مواد سازنده و مثبتی که در این لایحه آمده، وجود دو ماده ۲۲ و ۲۷ تبعات منفی گسترده‌ای بر کودکان فرزندخوانده خواهد داشت. شیوا دولت‌آبادی، رییس هیات‌مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان در گفت‌وگو با سایت این انجمن تاکید می‌کند تبصره ماده ۲۷ تصور زنای با محارم را ایجاد می‌کند. لایحه حمایت از حقوق کودکان از مجلس هشتم مطرح و بارها به شورای نگهبان ارجاع داده شده و با واردشدن ایراداتی به مجلس بازگشته بوده. در این رفت‌وآمدها لایحه دستخوش تغییراتی شد که افزودن تبصره ماده ۲۷ یکی از آن موارد است. اکنون با وجود ابراز مخالفت برخی مجلسیان و فعالان حوزه کودک، این لایحه به تصویب رسیده و برای تایید نهایی به شورای نگهبان ارسال شده است.

مونیکا نادی، حقوقدان و عضو هیات‌مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان با تاکید بر مواد مثبت لایحه می‌گوید: «در این لایحه نقش بهزیستی بسیار پررنگ است و نظارت بر خانواده پس از سرپرستی افزایش یافته. در بسیاری از موارد شمول سرپرستی و فرزندخواندگی افزایش داده شده که به این ترتیب امکان سرپرستی و فرزندخوانده‌شدن برای والدین و فرزندان زیادی فراهم شده است. نکته مثبت دیگر این لایحه سپردن فرزندان والدین بی‌صلاحیت است که پیش از این امکان‌پذیر نبود ولی در این لایحه کودکان بدسرپرست هم امکان فرزندخوانده‌شدن خواهند داشت اما با وجود چنین موارد قابل‌تاملی، دو ماده ۲۲ و ۲۷ این لایحه لطمات جبران‌ناپذیری به کودکان فرزندخوانده وارد می‌کند.»

ازدواج بر پایه کدام مصلحت؟

در نخستین مصوبه، اصلاحیه لایحه ازدواج سرپرست با فرزندخوانده ممنوع شده بود اما در دومین مصوبه که در اولین روز اسفند ۹۱ در مجلس به تصویب رسید تبصره ماده ۲۷ به این صورت اصلاح شد: «ازدواج چه در زمان حضانت و چه بعد از آن بین سرپرست و فرزندخوانده ممنوع است مگر اینکه دادگاه صالح پس از اخذ نظر مشورتی سازمان، این امر را به مصلحت فرزندخوانده تشخیص دهد.» به گفته نادی، با اینکه قانونگذار تعیین صلاحیت را به دادگاه سپرده، باز هم تصور اینکه چنین ازدواجی مطرح است، منافع کودک را به خطر می‌اندازد در صورتی که قرار است کودک با فرزندخواندگی در شرایط ایمن باشد. سوال دیگر این است که دادگاه با چه مصلحتی چنین تصمیمی می‌گیرد؟ اگر سرپرست بدون رای دادگاه چنین ازدواجی انجام داد حکم این ازدواج چیست؟ ضمانت اجرای این قانون چه خواهد بود؟ دولت‌آبادی، رییس هیات‌مدیره انجمن، با یادآوری فرهنگ‌سازبودن قوانین معتقد است وقتی ماهیت قانونی رابطه عاری از شایبه ارتباط جنسی است و هدفش قداست‌دادن به رابطه مادر و پدر- فرزندی است چطور تبصره‌ای را که ناقض خود است حمل می‌کند. چطور ممکن است کسی در یک قانون هم والد باشد و هم همسر. نمی‌توان در یک قانون هر دو را متصور شد. کسی که در زمان پذیرش یک فرزند در اعماق ذهنش تصور همسرگزینی از او را دارد، پس به هیچ‌وجه شایسته نیست نام پدر یا فرزند را بپذیرد. به گفته این روانشناس قرار است این فرزندخواندگی نزدیک‌ترین شباهت را به رابطه والدین و فرزند داشته باشد در حالی که این تبصره تصور زنای با محارم را ایجاد می‌کند و موجب تعجب است که چنین تبصره‌ای در قانونی آورده می‌شود که حامی خانواده و سرپرستی کودک است.

خدشه‌دارشدن امنیت کودک

دولت‌آبادی به دیگر تاثیرات این تبصره بر روابط اعضای خانواده اشاره دارد: «مادری که دختری را به فرزندی قبول کرده اگر در دورترین تصورش دختر را جایگزین خود ببیند هرگز نمی‌تواند مادری باشد که قرار است فرزندخوانده‌ای داشته باشد. روی دیگر این سکه این است که مادری که به پسرخوانده خود به عنوان همسری نگاه کند بسیار دور از انتظار است که بتواند خانواده‌ای سالم را شکل بدهد.» او ادامه می‌دهد: «به این بیندیشیم که بر همسری که به عنوان مادر یا پدر در این خانواده حضور دارد، چه خواهد گذشت وقتی شاهد خواهد بود فرزندی که با جان و دل بزرگ کرده رقیب عاطفی خودش شده است. این تبصره منزه‌بودن قانون را زیر سوال می‌برد در حالی که قانون قرار است فرهنگ‌سازی را تسهیل کند. هرگز نمی‌توان والدین را تشویق کرد و راهی را باز کرد که در آن هم نقش پدر و مادر را داشته باشند و هم همسر باشند. در این خانواده کودک نیز احساس امنیت نخواهد کرد.»

قربانی‌کردن اعتماد و ارزش‌ها

توران ولی‌مراد، دبیر ائتلاف اسلامی زنان از جنبه دینی و شرعی به تبصره ماده ۲۷ می‌پردازد: «بنای روح کلی قرآن بر تک‌همسری است ولی به دلایل شرایط زمانی می‌بینیم که به تعدد زوجات اشاره دارد. در جامعه قبیله‌ای افزایش فرزندان پسر برای شرکت در جنگ، موضوعی حیاتی بود به همین دلیل مردان اجازه ازدواج مجدد داشتند. از سوی دیگر عرب دوران جاهلی با کودکان رابطه برقرار می‌کرد و دختربچه‌ها را به همسری می‌گرفت به همین دلیل است که چون قرآن این کار را زشت می‌دانست برای برحذرداشتن از ازدواج با کودکان، مساله ازدواج با زنان را مطرح کرده است. اکنون عجیب است که لایحه‌ای تصویب شود که در آن ازدواج کسی که به عنوان کودک به سرپرست پناه آورده، مطرح می‌شود. این تبصره در واقع اعتماد را قربانی می‌کند. این تبصره مردبودن را قربانی می‌کند و لذت‌جویی را تحریک.

به گفته او تبصره ماده ۲۷ خشونت علیه کودکان را تشویق می‌کند که در ایران محکوم و مردود است و خرد جمعی در همه جوامع به مبارزه با خشونت علیه زنان و کودکان رسیده و بر آن تاکید دارد. ولی‌مراد می‌گوید: در گذشته بسیاری از زنان و کودکان به دلیل مرگ پدران در جنگ بدون سرپرست می‌شدند و تشویق مردان به ازدواج مجدد برای به سرپرستی‌گرفتن این خانواده‌ها بود اما طرح ازدواج با فرزندخوانده ما را از این زمان نیز عقب‌تر می‌برد. سرپرستی به طمع بهره‌برداری جنسی مغایر با اهداف و قوانین جمهوری اسلامی ایران است و با محتوای اسلام در تعارض است، همچنین ارزش‌های اخلاقی را قربانی می‌کند. بعید است شورای نگهبان چنین تبصره‌ای را تصویب کند.

داغی بر پیشانی فرزندخوانده‌ها

در اصلاحیه تبصره دو ماده ۲۲ لایحه چنین آمده است: «در قسمت توضیحات شناسنامه زوجین سرپرست، نام و نام‌خانوادگی کودک یا نوجوان تحت‌سرپرستی و فرزندخوانده‌بودن وی نیز قید می‌شود.» مونیکا نادی، مسوول بخش حقوقی انجمن حمایت از حقوق کودکان معتقد است با درج این جزییات در شناسنامه فرزندخوانده‌بودن کودک علنی می‌شود. در مواردی که کودک پدر و مادری هم داشته بر اساس این لایحه نام پدر و مادر در کنار نام سرپرستان قید می‌شود به این ترتیب این داغی بر پیشانی کودک خواهد بود. از سوی دیگر دلایلی همچون حفظ منافع کودک و جلوگیری از ازدواج با محارم برای تدوین این اصلاحات عنوان می‌شود در صورتی که راه‌های بسیاری برای ثبت و در عین حال پنهان و محفوظ‌ماندن این اطلاعات وجود دارد.» شیوا دولت‌آبادی، روانشناس کودک نیز تاکید می‌کند: «با قانون فرزندخواندگی قرار است یک خانواده در نزدیک‌ترین شکل به خانواده طبیعی تشکیل شود اگرچه بسیار برحق است که ثبت احوال هرگونه اطلاعاتی را که قبل از فرزندخواندگی هویت کودک را مشخص می‌کرده در پرونده ثبت و نگهداری کند ولی انعکاس آن در شناسنامه یک انگ است. وقتی کم‌هویتی انسانی در مهم‌ترین مدرک شناسایی منعکس می‌شود، هم خود انسان همواره باید توجیه کند که چرا شناسنامه غیرمعقول دارد و هم باید همواره این هویت دوگانه را با خود حمل کند. این در حالی است که در علم روانشناسی درباره زمان مناسب برای اطلاع به فرزندخوانده سخن گفته شده است. آیا باید در کمال آرامش و حفظ اخلاق این اطلاع‌رسانی صورت بگیرد یا به صورت ناگهانی از سوی دیگران افشا شود؟ به گفته این کارشناس منعکس‌شدن پرونده فرزندخواندگی در اوراق هویتی آشکار، نوعی برملاکردن موضوعی کاملا خصوصی در ملأعام است. نوعی افشاگری دایمی در مورد سرگذشت ناخواسته یک انسان. حفظ اطلاعات در ثبت احوال بجاست اما در روانشناسی همواره بر این نکته تاکید شده که اگر شناسنامه یک فرد هویت او را در مقایسه با دیگران در جامعه مخدوش معرفی کند تصمیم درستی نیست. به گفته عبدالرضا عزیزی، رییس کمیسیون اجتماعی مجلس نظر کارشناسان کمیسیون اجتماعی این بوده که برای تشویق زوج‌های جوان به سرپرستی، نام والدین اصلی در شناسنامه کودک ثبت نشود، اما شورای نگهبان تاکید دارد که نام پدر و مادر اصلی کودک در شناسنامه ثبت شود. نظر ما این بود که در شناسنامه کودک فقط شماره و تاریخ صورت‌جلسه فرزندخواندگی ثبت شود. با این وجود، دو ماده جنجال‌برانگیز لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان اکنون در دست شورای نگهبان است و فعالان حوزه کودک اندک امیدی دارند که این شورا این مواد را بازنگری کند.

آلزایمر در حال پیشروی است

هر چهار ثانیه یک نفر

فرحناز سمیعی

هزارویک، هزارودو، هزاروسه، هزاروچهار... ! این ثانیه‌ها نشانگر شتاب روزافزون یکی از بیماری‌های مهلک قرن بیست‌ویکم است؛ آلزایمر یا خردسودگی. بیماری‌ای که با ضعف حافظه کوتاه‌مدت آغاز می‌شود و با از یادبردن تدریجی همه چیز، حتی خویشتن خویش به پایان می‌رسد. بر اساس آمارهای ارایه‌شده درسال ۲۰۱۲ هر چهارثانیه یک نفر در جهان به این بیماری مبتلا می‌شود. سیر پیشرونده بیماری و عدم وجود درمان قطعی، آن را به یکی از عوامل مهم مرگ‌ومیر در جهان تبدیل کرده است. تعداد مبتلایان به آلزایمر در سال ۲۰۱۲ به بیش از ۷۵میلیون‌نفر در جهان رسید و پیش‌بینی می‌شود این تعداد تا سال ۲۰۵۰ دوبرابر شود. اما آلزایمر تنها معضل یک فرد یا حتی یک خانواده نیست. آلزایمر زخم عمیقی بر پیکره اجتماع است. پیامدهای ناگوار این بیماری که گاه به فاجعه می‌ماند، هزینه‌های گزاف درمان و مراقبت، چالش‌های عاطفی بستگان بیمار و به‌تبع آن آسیب‌های روحی و روانی وارده به خانواده‌های درگیر، چنان گسترده و دردناک است که می‌تواند در بسیاری از بخش‌های فعال و مولد جامعه تاثیری بسیار مخرب گذاشته و هزینه‌های گزافی را بر جوامع تحمیل کند. به ازای هر فرد مبتلا به آلزایمر حداقل سه‌نفر به شکل مستقیم و به‌عنوان مراقب با پیامدهای بیماری و تبعات مراقبت از این بیماران درگیر می‌شوند.

بر اساس تحقیقات برآورد می‌شود شمار مبتلایان به این بیماری در کشورهای در حال توسعه نسبت به جوامع صنعتی و پیشرفته با سرعت بیشتری افزایش می‌یابد. شاید عمده‌ترین دلیل آن رشد شاخص‌های بهداشتی و افزایش طول عمر افراد باشد. کهولت سن به‌عنوان یکی از فاکتورهای اصلی ابتلا به این بیماری شناخته می‌شود. گزارش مفصلی که در سال ۲۰۱۰ از سوی سازمان بهداشت جهانی ارایه شد، لزوم برنامه‌ریزی منسجم و برخورد آگاهانه دولت‌ها و بخش‌های مختلف را به‌خصوص در جوامع کم‌درآمد یا با درآمد متوسط، برای رودررویی با این بیماری به‌وضوح نمایان می‌کند. بر اساس همین گزارش میزان مبتلایان به دمانس به ۳۵/۶میلیون‌نفر در سال ۲۰۱۰ رسید و برآورد می‌شود هرساله ۷/۷میلیون مورد جدید به این تعداد افزوده شود. هزینه‌های گزاف بیماری می‌تواند چالشی اساسی برای سیستم بهداشت و درمان کشورها باشد. گزارش فوق هزینه‌های این بیماری را بالغ بر ۶۰۴میلیارددلار در سال برآورد می‌کند که با توجه به افزایش تعداد مبتلایان انتظار می‌رود حتی بیش از میزان پیش‌بینی‌شده افزایش یابد. این عوامل و افزایش طول عمر متوسط افراد، ایجاب می‌کند با دیدی وسیع‌تر و در ابعادی فراتر از ابعاد بهداشتی و پزشکی نگریست.

آلزایمر در ایران

آمارها حاکی از آن است که اندکی بیش از هشت‌درصد جمعیت کشور را سالمندان تشکیل می‌دهند. ایران که در کمتر از دودهه پیش با انفجار جمعیت جوان روبه‌رو بود، اینک در آستانه ورود به شیب تند سالمندی قرار گرفته است؛ به همراه مشکلات و هزینه‌هایی که شاید به‌سختی بتوان از پس تامین آن برآمد. دکتر حسین نحوی‌نژاد، رییس دبیرخانه شورای سالمندی کشور با تاکید بر اینکه در یک بازه زمانی پنج‌ساله از ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ جمعیت سالمند کشور با افزایشی بیش از یک‌میلیون‌نفر از ۷/۳درصد به ۸/۲درصد رسیده است، می‌گوید اگر وضع به همین روال پیش برود، در افق سال ۱۴۳۰ حدود ۲۵میلیون سالمند خواهیم داشت و این به آن معناست که اگر جمعیت کشور به صدمیلیون برسد، از هر چهارنفر یکی سالمند خواهد بود. این اتفاق همزمان در جهان نیز می‌افتد. تا سال ۲۰۵۰میلادی جمعیت افراد بالای ۶۰سال در جهان بالغ بر دومیلیاردنفر خواهد شد. دکتر نحوی‌نژاد می‌افزاید: «سن سالمندی یک سن تقویمی است که بیشتر کاربرد اداری دارد و در مواردی مانند بازنشستگی به‌کار می‌آید. اما واقعیت این است که‌سالمندی به معنای از کارافتادگی، معیارهای دیگری دارد.» در ایران سالمندی را در سه سطح رده‌بندی می‌کنند که هریک تعاریف خاص خود را دارد. پیری جسمی به ضعف جسمانی و کندی و دشواری حرکتی اطلاق می‌شود. پیری روانی به ناتوانی‌های روحی و روانی و پیری اجتماعی که به میزان پویا و مولدبودن فرد در محیط پیرامون خود بستگی دارد.» نحوی‌نژاد می‌گوید پیری متوازن روندی است که هر سه این موارد متناسب با هم باشد. گرچه گاه پیری اجتماعی تا سنین بسیار بالا هم به‌تاخیر می‌افتد که نمونه آن بسیاری از اساتید و فرهیختگان هستند. معیار سازمان بهداشت جهانی برای سن سالمندی در سه رده‌سالمندان جوان (۶۰تا ۷۵سال)، میانه (۷۵تا۹۰سال) و کهنسال (بالای ۹۰سال) تقسیم‌بندی می‌شود. بر این اساس در جوامعی که میزان افراد بالای ۶۰سال به ۱۲درصد برسد یا هشت‌درصد جمعیت را افراد بالای ۶۵سال تشکیل دهد، پدیده پیری مستقر شده است. به گفته دکتر نحوی‌نژاد هم‌اکنون در برخی استان‌های ایران مانند گیلان و خراسان‌جنوبی آمار جمعیت بالای ۶۵سال از مرز ۱۰درصد عبور کرده است. این شیب تند سالمندی در کشور می‌طلبد که تمامی ارگان‌ها و سازمان‌ها، هماهنگ با هم برای رویارویی با این پدیده آماده شوند. ساختارهای بهداشتی، اجتماعی، خدماتی و رفاهی و فرهنگی و حتی حقوقی باید متناسب با بروز این پدیده ناگزیر تغییر کرده و بهبود و ارتقا یابند. سوال این است که آیا چنین حرکتی آغاز شده است؟ دکتر نحوی‌نژاد که مشاور رییس سازمان بهزیستی نیز هست، می‌گوید شورای سالمندی کشور با همکاری وزارتخانه‌های بهداشت و درمان و وزارت ورزش و بسیاری از دستگاه‌های اجرایی و وزارتخانه‌ها و حتی کمیته امداد امام‌خمینی و سازمان‌های بازنشستگی و صدا و سیما، در سازمان بهزیستی تشکیل شد و در سال ۱۳۸۴ با تشکیل وزارت رفاه و انتقال سازمان بهزیستی و تمام دبیرخانه‌های آن به این وزارتخانه در زیرمجموعه فوق قرار گرفت. مشخص‌کردن اهداف و تدوین محورهایی برای بهبود همه‌جانبه شرایط برای‌سالمندان و نیز تشکیل پورتال سالمندی کشور از عمده کارکردهای این شوراست که در ارتباط نزدیک با سازمان‌های غیردولتی مانند انجمن آلزایمر ایران نیز هست. سالمندان امروز جوانان پویا، فعال و مولد دیروز هستند که منزوی‌کردن آنها به‌دلیل کهولت سن ستمی بزرگ بر این اقلیت گرانبها است با افزایش سن میزان ابتلا به بیماری‌هایی از قبیل زوال عقل و آلزایمر افزایش می‌یابد تا آنجا که از ۶۰سالگی با هر پنج‌سال افزایش سن احتمال ابتلا به آلزایمر دوبرابر می‌شود و در۸۵سالگی به‌حدود ۳۰درصد می‌رسد. متاسفانه این امر موجب مشکلات بسیاری می‌شود. از جمله آنها می‌توان به سالمندآزاری اشاره کرد که مصادیق متفاوتی دارد، از سوءاستفاده‌های مالی گرفته تا اقدام فیزیکی همراه با خشونت و تحقیر و توهین و رفتارهای دون شأن و حتی عدم ارایه خدمات بهداشتی و مراقبتی صحیح و مناسب جزو مصادیق سالمندآزاری تلقی می‌شوند. یکی از عمده‌ترین معضلاتی که سیستم قضایی کشور را درگیر می‌کند، سوءاستفاده از ضعف نفس این افراد است. مدعی‌شدن برخی بستگان ناصالح و فرصت‌طلب بیماران مبتلا به آلزایمر و حتی مراقبان و افراد سودجو نمونه‌هایی از این سوءاستفاده‌هاست. این مساله و تعیین فرد یا افراد صالح و امین برای حمایت از سالمندان مبتلا به آلزایمر یا سایر انواع دمانس یکی از دغدغه‌هایی است که متولیان و دست‌اندرکاران امور سالمندان با آن روبه‌رو هستند. در کشورهایی که سابقه طولانی‌تری در زمینه شناخت و رودررویی با این بیماری را دارند مانند کانادا، آمریکای‌شمالی و بسیاری از کشورهای اروپایی، به‌دلیل وجود سیستم‌های پایش و غربالگری دقیق و پیشرفته و نیز آگاهی جمعی و حضور فعال انجمن‌های غیرانتفاعی و غیردولتی مرتبط با آلزایمر، قوانین به‌نحوی تغییر و تحول یافته که فرد مبتلا به آلزایمر در مراحل ابتدایی و پیش از ورود به فاز پیشرفته بیماری قادر به تعیین شخص یا ارگانی برای سرپرستی امور مالی خود هست و حتی می‌تواند نحوه مراقبت، درمان و فردی را که مایل به همراهی با اوست، تعیین کرده و به‌صورت کاملا قانونی آن را به‌ثبت برساند. اما آیا در ایران نیز چنین شرایطی وجود دارد؟ این پرسشی است که ذهن بسیاری را به‌خود مشغول کرده. پاسخ این سوال را قاضی سیدمجتبی موسوی، رییس شعبه ۴۵ دادگاه عمومی تهران اینگونه می‌دهد: «برای اینکه فردی در زمان سلامت برای خود تصمیم بگیرد که در آینده چه اتفاقی در زمینه‌های مالی و حتی تعیین فردی برای آنکه در سن سالمندی از وی مراقبت و حمایت کرده و به امور وی رسیدگی کند، هیچ منع قانونی‌ای وجود ندارد. اما برای فردی که به سن سالمندی رسیده، هنوز اراده تصمیم‌گیری دارد ولی فاقد توانایی جسمی است یا به‌دلیل بیماری قادر به‌انجام امور اداری و مالی خود نیست هم قانون به‌طور مشخص و معین راهکاری ارایه کرده است. بر اساس ماده یکصدوچهار قانون امور حسبیه فردی که عاجز از اداره امور خود است، می‌تواند از دادگاه درخواست کند تا فردی را به‌عنوان امین وی معین کند که بر اساس ماده یکصدوبیست‌وسه همین قانون، امین دارای حدود اختیارات یک وکیل برای انجام امور فرد سالمند است.»

> **در جوامعی که میزان افراد بالای ۶۰سال به ۱۲درصد برسد یا هشت‌درصد جمعیت را افراد بالای ۶۵سال تشکیل دهد، پدیده پیری مستقر شده است. به‌گفته دکتر نحوی‌نژاد هم‌اکنون در برخی استان‌های ایران مانند گیلان و خراسان‌جنوبی آمار جمعیت بالای ۶۵سال از مرز ۱۰درصد عبور کرده است**

بسیاری از سالمندان با وجود ناتوانی‌های جسمی و با توجه به تجربه و شناخت نسبت به اطرافیان و بستگان خود معمولا شایسته‌ترین فرد را به‌عنوان امین خود انتخاب خواهند کرد. اما در شرایطی که فرد دچار زوال عقل شده یا در مراحل پیشرفته آلزایمر قرار می‌گیرد و قدرت تشخیص و شناخت و تصمیم‌گیری‌اش دچار مشکل می‌شود، دیگر نمی‌توان ملاک را برای تعیین امین یا سرپرست انتخاب فرد در نظر گرفت. به گفته قاضی موسوی برای این افراد هم پیش‌بینی‌های خوبی در قانون شده و تکلیف را بر عهده دادستان محل زندگی فرد قرار داده است. وی می‌افزاید بر اساس ماده یک‌هزارودویست‌وبیست‌وسه قانون مدنی مصوب‌سال ۱۳۱۱ و اصلاح‌شده در سال ۱۳۷۰ که یکی از منابع اصلی دادگاه‌هایی است که به‌امور سرپرستی رسیدگی می‌کنند، در مورد فردی که به‌دلیل بیماری یا غیررشیدبودن قادر به‌تصمیم‌گیری عقلایی در امور مالی خود نیست و به دادستانی معرفی می‌شود، دادستان موظف است با معرفی فرد به‌مراجع قانونی مانند پزشکی‌قانونی، در صورت تایید زوال عقل یا قطعیت حجر اقدام به تعیین سرپرست صالح از بین بستگان فرد یا حتی مراجع قانونی کند. شاخص‌های متفاوتی برای تعیین میزان شناخت افراد مبتلا به آلزایمر وجود دارد. دکترغلامعلی شهیدی، متخصص مغز و اعصاب و فوق‌تخصص اختلالات حرکتی در پاسخ به این سوال که آیا ملاک خاصی برای تعیین میزان درک و تشخیص و قدرت تصمیم‌گیری فرد مبتلا به آلزایمر وجود دارد، می‌گوید: «تستی به نام فول‌اشتاین» است که حداکثر ۳۰نمره دارد. کسانی که بین ۲۴ تا ۱۰امتیاز می‌گیرند، در مراحل اولیه تا متوسط آلزایمر هستند و نیاز به درمان دارویی دارند. در مراحل بسیار شدید آلزایمر این عدد به زیر ۱۰ می‌رسد و درمان دارویی متوقف می‌شود. اما گفته می‌شود در شرایطی که این عدد بالای ۲۴ باشد، می‌توان گفت که بیمار قدرت تشخیص و تصمیم‌گیری کاملی دارد. ولی برای تعیین قطعی بیماری و شدت آن باید معاینات بالینی، تست‌های پزشکی و روانپزشکی و روش‌هایی مانند ام‌آر‌آی و اسکن مغز انجام شود.» قاضی موسوی که ۱۴سال است به‌بررسی پرونده اینگونه بیماران و افراد محجور مشغول است، می‌گوید: «بر اساس قانون، اثر حجر از تاریخ قطعیت حکم است. این به آن معناست که اگر سبب محجوربودن یک فرد، بیماری مانند آلزایمر باشد، ملاک حجر از زمان شروع بیماری نیست و چنانچه فرد سالمند متوجه شود که مبتلا به آلزایمر شده، در ابتدای بیماری می‌تواند در مورد اموال خود تصمیم‌گیری کرده و آنها را عملی کند.»

ادامه در صفحه ۱۵

خبر

ورود شاملو و چوبک به کتاب درسی ممنوع

● **ایسنا:** سرپرست گروه مولفان کتاب‌های درسی ادبیات معتقد است: امکان طرح همه چهره‌ها در کتاب‌های درسی فراهم نیست، همراه با اینکه آوردن نام نویسندگان در این کتاب‌ها به معنای تجویز خواندن کتاب‌های آنهاست و آثار کسانی چون چوبک و شاملو در کتاب‌های درسی قابل طرح نیست. سنگری همچنین درباره محدودیت‌هایی که به نظر می‌رسد این کتاب‌ها در تدوین و نگارش با آنها مواجه بوده‌اند، گفت: اگرچه ما با محدودیت در نگارش کتاب‌ها مواجه بودیم، اما خیلی از چهره‌های شاخص ادبیات پیش از انقلاب و بعد از انقلاب در این کتاب‌ها آمده‌اند. ولی کتاب‌های درسی ظرف محدودی هستند و باید در حدود ۲۰۰ تا ۲۲۰ صفحه باشند و نمی‌توان همه را در این کتاب‌ها آورد. شعر اخوان ثالث در این کتاب‌ها آمده است. اما به هر حال خط قرمزهایی وجود دارد که برخی را نمی‌توان در این کتاب‌ها آورد. وقتی نویسنده‌ای آثارش در کتاب درسی می‌آید، یعنی شما آثار این نویسنده را تجویز کرده‌اید که دانش‌آموزان بروند و آنها را بخوانند. اما آثار بسیاری برای دانش‌آموزان زبان‌های فراوان دارد. اگر داستان صادق چوبک را در این کتاب‌ها بیاوریم، آیا شما حاضرید برادرتان این کتاب را بخواند؟ وقتی او مسایل جنسی را با رکاکت و عریانی تمام مطرح می‌کند، نمی‌توان اسمی از او در کتاب درسی برد. او همچنین تاکید کرد: جدای از این، برخی از نویسندگان آثارشان در کتاب‌های درسی قابل طرح نیست و نکته آموزشی ندارد. مثلا چه شعر شاخصی از شاملو هست که بشود در کتاب درسی آورد؟ یا چه موردی از شعر حجم یا موج نو هست که بتواند در کتاب درسی بیاید؟ گروه تالیف ما همه این مسایل را در نظر گرفته است.

ارجاع پرونده «دانشگاه ایرانیان» به دادستان عمومی انقلاب تهران

● **ایسنا:** سخنگوی کمیسیون اصل ۹۰ گفت: پرونده دانشگاه ایرانیان توسط دادستان دیوان محاسبات به دادستان عمومی انقلاب تهران ارجاع شده است. مصطفی افضلی‌فرد گفت: در جلسه کمیسیون اصل ۹۰ موضوع پرونده دانشگاه ایرانیان مورد بحث و بررسی قرار گرفت، البته پرونده توسط دادستان محاسبات به دادستان عمومی انقلاب تهران ارجاع شده است. این عضو هیات‌رییسه کمیسیون اصل ۹۰ تصریح کرد: با توجه به مکاتبه‌ای که با رییس مجلس انجام شده، این موضوع به کمیسیون‌های آموزش و تحقیقات و اصل ۹۰ ارجاع شد تا به این موضوع رسیدگی کرده و نتایج بررسی خود را برای تکمیل پرونده به دادستان عمومی انقلاب تهران اعلام کنند.

ظهوریان دبیر هیات نظارت بر مطبوعات شد

● **مهر:** صبح دیروز و در جلسه هیات نظارت بر مطبوعات که با حضور همه اعضا رسمیت یافت، سیدعلاءالدین ظهوریان به‌عنوان دبیر این هیات انتخاب شد. ظهوریان که در حال حاضر مدیرعامل شرکت پیام همشهری است، در سال‌های ۸۴ تا ۸۶ مدیرکل مطبوعات داخلی بوده است و قائم‌مقامی انتشارات سروش (از ۷۹ تا۸۱)، قائم‌مقامی روزنامه جام‌جم (از ۷۹ تا۸۳) و ریاست کارگروه کاغذ در معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد را در کارنامه خود دارد. تبصره ۳ ماده ۱۰ قانون مطبوعات می‌گوید: «دبیرخانه هیات نظارت با امکانات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل می‌شود و زیر نظر آن هیات انجام وظیفه می‌کند.»

درخواست وزیر بهداشت از ۲ دهک ثروتمند جامعه

● **فارس:** وزیر بهداشت پیشنهاد داد: یارانه ۴۵هزارتومانی برای دو دهک یا حتی سه‌دهک بالا و ثروتمند جامعه اهمیتی ندارد بنابراین پیشنهاد من این است که این افراد یارانه‌شان را برای کمک به سلامت افراد بی‌بضاعت و بیماران مزمن و صعب‌العلاج ببخشند. سیدحسن قاضی‌زاده‌هاشمی افزود: بسیاری از دستگاه‌های زیرمجموعه وزارت بهداشت به دلیل اینکه اعتبارات لازم را در اختیار ندارند، مقروض هستند و نمی‌توانند وظایفشان را به نحو احسن انجام دهند و در حقیقت من باید از این نظر اظهار شرمندگی کنم. وزیر بهداشت افزود: راهکار حل این مساله در وهله اول در دست مجلس و در وهله بعد در دست دولت است اما آنچه خودم می‌پسندم و پیشنهاد می‌دهم این است که حداقل دهک‌های بالای جامعه مثلا دو دهک ثروتمند یا حتی سه‌دهک بالا خودشان بیایند و یارانه‌شان را برای کمک به سلامت و بهبود زندگی اقشار فقیر و بیماران صعب‌العلاج واگذار کنند و این آمادگی را اعلام کنند.

بریده اخبار

مهر: سخنگوی کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس گفت: اعضای هیات‌امنای دانشگاه آزاد و دکتر فرهاد دانشجو برای روشن‌شدن مساله عزل رییس دانشگاه برای مردم و ارایه پاره‌ای از توضیحات به کمیسیون آموزش دعوت می‌شوند.

ایلنا: سرپرست دانشگاه علامه طباطبایی از شورایعالی انقلاب فرهنگی درخواست کرد که سیاستگذاری جدیدی در مورد طرح تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها تدوین کند.

ایسنا: وزیر بهداشت با بیان اینکه وزارت بهداشت وظیفه‌اش درباره کاهش قیمت داروهای بیماران خاص و صعب‌العلاج را انجام داده، ابراز امیدواری کرد که بیمه‌ها نیز به تعهداتشان عمل کنند.